

متن سخنرانی استیو جابز

موسس اپل در دانشگاه استنفورد

هدیه هفتگی گروه موفقیت شاهرخی

هر هفته دو کتاب اختصاصی در وب سایت ما منتشر می شود

<http://www.sajadshahrokhi.org/>

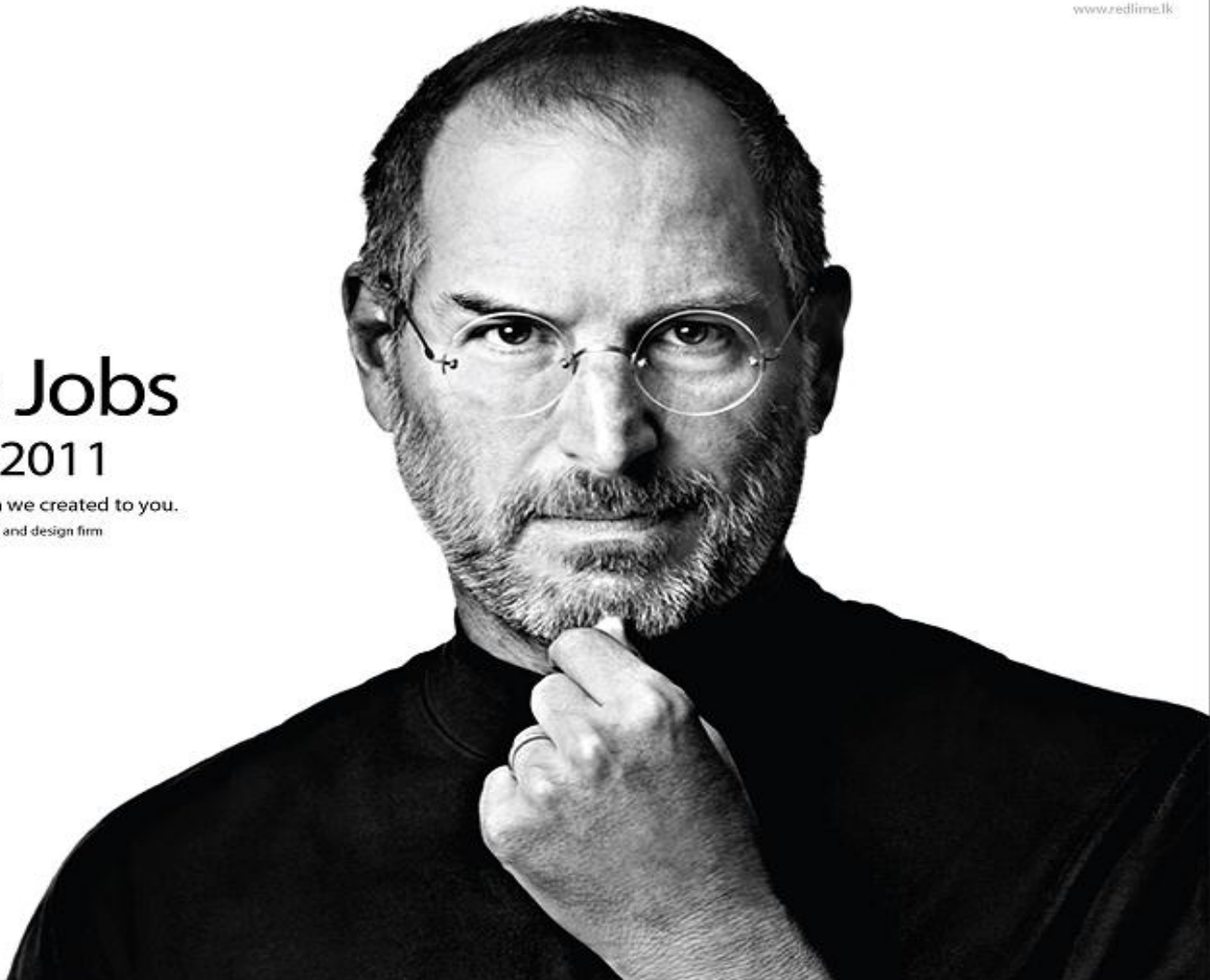
www.redlime.lk

Steve Jobs

1955-2011

We owe every design we created to you.

REDLIME, a research and design firm



متن سخنرانی

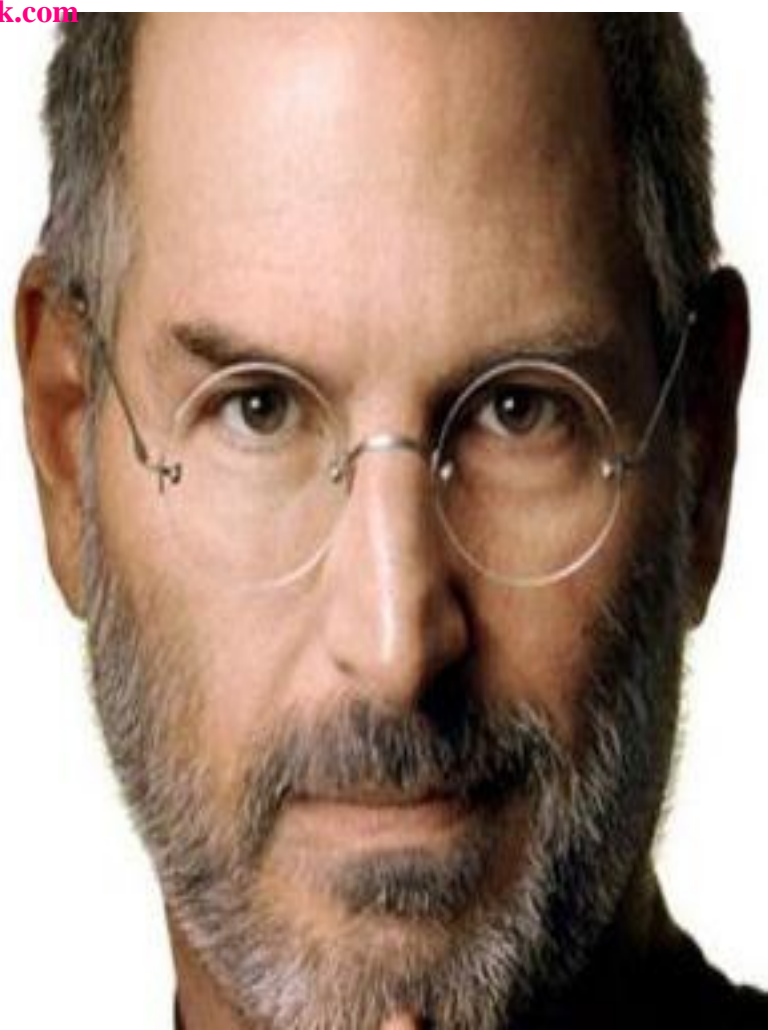
من امروز خیلی خوشحالم که در مراسم فارغ‌التحصیلی شما که در یکی از بهترین دانشگاه‌های دنیا درس می‌خوانید هستم. من هیچ وقت از دانشگاه فارغ‌التحصیل نشده‌ام. امروز می‌خواهم داستان زندگی ام را برایتان بگویم. خیلی طولانی نیست و سه تا داستان است.

اولین داستان مربوط به ارتباط اتفاقات به ظاهر بی ربط زندگی هست.

من بعد از شش ماه از شروع دانشگاه در کالج رید ترک تحصیل کردم ولی تا حدود یک سال و نیم بعد از ترک تحصیل تو دانشگاه می‌آمدم و می‌رفتم و خوب حالا می‌خواهم برای شما بگویم که من چرا ترک تحصیل کردم. زندگی و مبارزه‌ی من قبل از تولدم شروع شد. مادر بیولوژیکی من یک دانشجوی مجرد بود که تصمیم گرفته بود مرا در لیست پرورشگاه قرار بدهد که یک خانواده مرا به سرپرستی قبول کند. او شدیداً اعتقاد داشت که مرا یک خانواده با تحصیلات دانشگاهی باید به فرزندی قبول کند و همه چیز را برای این کار آماده کرده بود. یک وکیل و زنش قبول کرده بودند که مرا بعد از تولدم از مادرم تحویل بگیرند و همه چیز آماده بود تا اینکه بعد از تولد من این خانواده گفتند که پسر نمی‌خواهند و دوست دارند که دختر داشته باشند. این جور شد که پدر و مادر فعلی من نصف شب یک تلفن دریافت کردند که آیا حاضرند مرا به فرزندی قبول کنند یا نه و آنان گفتند که حتماً. مادر بیولوژیکی من بعداً فهمید که مادر من هیچ وقت از دانشگاه فارغ‌التحصیل نشده و پدر من هیچ وقت دبیرستان را تمام نکرده است. مادر اصلی من حاضر نشد که

مدارك مربوط به فرزند خواندگی مرا امضا کند تا اینکه آن‌ها قول دادند که مرا وقتی که بزرگ شدم حتماً به دانشگاه بفرستند.

این جوری شد که هفده سال بعدش من وارد کالج شدم و به خاطر این که در آن موقع اطلاعاتم کم بود دانشگاهی را انتخاب کردم که شهریه‌ی آن تقریباً معادل دانشگاه استنفورد بود و پس انداز عمر پدر و مادرم را به سرعت برای شهریه‌ی دانشگاه خرج می‌کردم بعد از شش ماه متوجه شدم که دانشگاه فایده‌ی چندانی برایم ندارد. هیچ ایده‌ای که می‌خواهم با زندگی چه کار کنم و دانشگاه چه جوری می‌خواهد به من کمک کند نداشتم و به جای این که پس انداز عمر پدر و مادرم را خرج کنم ترك تحصیل کردم ولی ایمان داشتم که همه چیز درست می‌شود. اولش یک کمی وحشت داشتم ولی الآن که نگاه می‌کنم می‌بینم که یکی از بهترین تصمیم‌های زندگی من بوده است. لحظه‌ای که من ترك تحصیل کردم به جای این که کلاس‌هایی را بروم که به آن‌ها علاقه‌ای نداشتم شروع به کارهایی کردم که واقعاً دوستشان داشتم. زندگی در آن دوره خیلی برای من آسان نبود. من اتاقی نداشتم و کف اتاق یکی از دوستانم می‌خوابیدم. قوطی‌های خالی پپسی را به خاطر پنج سنت پس می‌دادم که با آن‌ها غذا بخرم.



زمانی که بیست و سه سالم بود، بیش از یک
میلیون دلار و زمانی که بیست و دو سالم بود، ده
میلیون دلار و زمانی که بیست و پنج سالم شد،
بیش از صد میلیون دلار پول داشتم ولی این
مساله هیچوقت چندان مهم نبود، چون این کارها
را برای پول انجام ندادم

Steven Paul Jobs

بعضی وقتها هفت مایل پیاده روی می کردم که یک غذای مجانی توی کلیسا بخورم.
غذاهایشان را دوست داشتم. من به خاطر حس کنجکاوی و ابهام درونی ام تو راهی افتادم
که تبدیل به یک تجربه ی گران بها شد. کالج رید آن موقع یکی از بهترین تعلیم های
خطاطی را تو کشور می داد. تمام پوستره های دانشگاه با خط بسیار زیبا خطاطی می شد و
چون از برنامه ی عادی من ترك تحصیل کرده بودم، کلاس های خطاطی را برداشتم. سبک
آن ها خیلی جالب، زیبا، هنری و تاریخی بود و من خیلی از آن لذت می بردم. امیدی
نداشتم که کلاس های خطاطی نقشی در زندگی حرفه ای آینده ی من داشته باشد ولی ده
سال بعد از آن کلاس ها موقعی که ما داشتیم اولین کامپیوتر مکینتاش را طراحی
می کردیم تمام مهارت های خطاطی من دوباره تو ذهن من برگشت و من آن ها را در طراحی
گرافیکی مکینتاش استفاده کردم. مک اولین کامپیوتر با فونت های کامپیوتری هنری و
قشنگ بود.



اگر من آن کلاس‌های خطاطی را آن موقع برنداشته بودم مک هیچ وقت فونت‌های هنری
الآن را نداشت. هم چنین چون که ویندوز طراحی مک را کپی کرد، احتمالاً هیچ
کامپیوتری این فونت را نداشت. خب می‌بینید آدم وقتی آینده را نگاه می‌کند شاید تأثیر
اتفاقات مشخص نباشد ولی وقتی گذشته را نگاه می‌کند متوجه ارتباط این اتفاق‌ها
می‌شود. این یادتان نرود شما باید به یک چیز ایمان داشته باشید، به شجاعتان، به
سرنوشتان، زندگی تان یا هر چیز دیگری. این چیزی است که هیچ وقت مرا نا امید نکرده
است و خیلی تغییرات در زندگی من ایجاد کرده است.

داستان دوم من در مورد دوست داشتن و شکست است.



من خرسند شدم که چیزهایی را که دوستشان داشتم خیلی زود پیدا کردم. من و همکارم هواز شرکت اپل را درگاراژ خانه‌ی پدر و مادرم وقتی که من فقط بیست سال داشتم شروع کردیم ما خیلی سخت کار کردیم و در مدت ده سال اپل تبدیل شد به یک شرکت دو بیلیون دلاری که حدود چهارهزار نفر کارمند داشت. ما جالب ترین مخلوق خودمان را به بازار عرضه کرده بودیم؛ مکینتاش. یک سال بعد از درآمدن مکینتاش وقتی که من فقط سی ساله بودم هیأت مدیره‌ی اپل مرا از شرکت اخراج کرد. چه جور ی یک نفر می‌تواند از شرکتی که خودش تأسیس می‌کند اخراج شود، خیلی ساده. شرکت رشد کرده بود و ما یک نفری را که فکر می‌کردیم توانایی خوبی برای اداره‌ی شرکت داشته باشد استخدام کرده بودیم. همه چیز خیلی خوب پیش می‌رفت تا این که بعد از یکی دو سال در مورد

استراتژی آینده‌ی شرکت من با او اختلاف پیدا کردم و هیأت مدیره از او حمایت کرد و من رسماً اخراج شدم.

احساس می‌کردم که کل دستاورد زندگی ام را از دست داده‌ام. حدود چند ماهی نمی‌دانستم که چه کار باید بکنم. من رسماً شکست خورده بودم و دیگر جایم در سیلیکان ولی نبود ولی یک احساسی در وجودم شروع به رشد کرد. احساسی که من خیلی دوستش داشتم و اتفاقات اپل خیلی تغییرش نداده بودند. احساس شروع کردن از نو. شاید من آن موقع متوجه نشدم اخراج از اپل یکی از بهترین اتفاقات زندگی من بود. سنگینی موفقیت با سبکی یک شروع تازه جایگزین شده بود و من کاملاً آزاد بودم. آن دوره از زندگی من پر از خلاقیت بود. در طول پنج سال بعد یک شرکت به اسم نکست تأسیس کردم و یک شرکت دیگر به اسم پیکسار و با یک زن خارق العاده آشنا شدم که بعداً با او ازدواج کردم. پیکسار اولین ابزار انیمیشن کامپیوتر دنیا را به اسم توی استوری به وجود آورد که الآن موفقترین استودیوی تولید انیمیشن در دنیا است. در یک سیر خارق العاده‌ی اتفاقات، شرکت اپل نکست را خرید و این باعث شد من دوباره به اپل برگردم و تکنولوژی ابداع شده در نکست انقلابی در اپل ایجاد کرد. من با زخم لورن زندگی بسیار خوبی را شروع کردیم. اگر من از اپل اخراج نمی‌شدم شاید هیچ کدام از این اتفاقات نمی‌افتاد. این اتفاق مثل داروی تلخی بود که به یک مریض می‌دهند ولی مریض واقعاً به آن احتیاج دارد. بعضی وقت‌ها زندگی مثل سنگ توی سر شما می‌کوبد ولی شما ایمانتان را از دست ندهید. من مطمئن هستم تنها چیزی که باعث شد من در زندگی ام همیشه در حرکت باشم این بود که من کاری را انجام می‌دادم که واقعاً دوستش داشتم.

داستان سوم من در مورد مرگ است.



من هفده سالم بود یک جایی خواندم که اگر هر روز جوری زندگی کنید که انگار آن روز آخرین روز زندگی تان باشد شاید یک روز این نظر به حقیقت تبدیل بشود. این جمله روی من تأثیر گذاشت و از آن موقع به مدت سی و سه سال هر روز وقتی که من توی آینه نگاه

می‌کنم از خودم می‌پرسم اگر امروز آخرین روز زندگی من باشد آیا باز هم کارهایی را که امروز باید انجام بدهم، انجام می‌دهم یا نه. هر موقع جواب این سؤال نه باشد من می‌فهمم تو زندگی ام به یک سری تغییرات احتیاج دارم. به خاطر داشتن این که بالآخره یک روزی من خواهم مرد برای من به یک ابزار مهم تبدیل شده بود که کمک کرد خیلی از تصمیم‌های زندگی ام را بگیرم چون که تمام توقعات بزرگ از زندگی، تمام غرور، تمام شرمندگی از شکست، در مقابل مرگ رنگی ندارند. حدود یک سال قبل دکترها تشخیص دادند که من سرطان دارم. ساعت هفت و سی دقیقه صبح بود که مرا معاینه کردند و یک تومور توی لوزالمعده‌ی من تشخیص دادند. من حتی نمی‌دانستم که لوزالمعده چی هست و کجای آدم قرار دارد ولی دکترها گفتند این نوع سرطان غیرقابل درمان است و من بیشتر از سه ماه زنده نمی‌مانم. دکتر به من توصیه کرد.

به خانه بروم و اوضاع را رو به راه کنم. منظورش این بود که برای مردن آماده باشم و مثلاً چیزهایی که در مورد ده سال بعد قرار بود به بچه‌هایم بگویم در مدت سه ماه به آنها یادآوری بکنم. این به این معنی بود که برای خداحافظی حاضر باشم. من با آن تشخیص تمام روز دست و پنجه نرم کردم و سر شب روی من آزمایش اپتیک انجام دادند. آن‌ها یک آندوسکوپ را توی حلقم فرو کردند که از معده‌ام می‌گذشت و وارد لوزالمعده‌ام می‌شد. همسرم گفت که وقتی دکتر نمونه را زیر میکروسکوپ گذاشت بی اختیار شروع به گریه کردن کرد

چون که او گفت که آن یکی از کمیاب‌ترین نمونه‌های سرطان لوزالمعده است و قابل درمان است. مرگ یک واقعیت مفید و هوشمند زندگی است. هیچ کس دوست ندارد که بمیرد حتی آن‌هایی که می‌خواهند بمیرند و به بهشت وارد شوند. ولی با این وجود مرگ واقعیت مشترک در زندگی همه‌ی ما است.



شاید مرگ بهترین اختراع زندگی باشد چون مأمور ایجاد تغییر و تحول است. مرگ کهنه‌ها را از میان بر می‌دارد و راه را برای تازه‌ها باز می‌کند. یادتان باشد که زمان شما محدود است، پس زمانتان را با زندگی کردن تو زندگی بقیه هدر ندهید. هیچ وقت توی دام غم و غصه نیافتید و هیچ وقت نگذارید که هیاهوی بقیه صدای درونی شما را خاموش کند و از همه مهمتر این که شجاعت این را داشته باشید که از احساس قلبی تان و ایمانتان پیروی کنید. موقعی که من سن شما بودم یک مجله‌ی خیلی خواندنی به نام کاتالوگ کامل زمین منتشر می‌شد که یکی از پرطرفدارترین مجله‌های نسل ما بود این مجله مال دهه‌ی شصت بود که موقعی که هیچ خبری از کامپیوترهای ارزان قیمت نبود تمام این مجله با دستگاه تایپ و قیچی و دوربین پولوراید درست می‌شد. شاید یک چیزی شبیه گوگل الآن ولی سی و پنج سال قبل از این که گوگل وجود داشته باشد. در وسط دهه‌ی هفتاد آن‌ها آخرین شماره از کاتالوگ کامل زمین را منتشر کردند. آن موقع من سن الآن شما بودم و روی جلد آخرین شماره‌ی شان یک عکس از صبح زود یک منطقه‌ی روستایی کوهستانی بود. از آن نوعی که شما ممکن است برای پیاده روی کوهستانی خیلی دوست داشته باشید. زیر آن عکس نوشته بود.

stay hungry stay foolish

این پیام خداحافظی آن‌ها بود وقتی که آخرین شماره را منتشر می‌کردند.

stay hungry stay foolish

این آرزویی هست که من همیشه در مورد خودم داشتم و
الآن وقت فارغ التحصیلی شما آرزویی هست که برای شما
می‌کنم.



همچو استیو جابز
نوزاد بی سرپرست
سوری خود
را باور کنید



گروه موفقیت شاهرخی



روش ادیسون در زمینه موفقیت روش
مناسبی است. او وقتی که ایده مناسبی
برای یک اختراع پیدا میکرد. از
خبرنگاران میخواست با او جلسه ای
تشکیل بدهند و بعد خبر را به همه اعلام
کنند و سپس به آزمایشگاه میرفت و
سپس خود را مجبور به عملی کردن ایده
اش میکرد. (به حساس ترین افراد زندگی
خودت قوی بده تا مجبور به عمل شوی).
گروه موفقیت شاهرخی

«ما آدم ها اینجا روی این کره خاکی
وضعیت عجیبی داریم هر کدام از ما برای
ملاقات کوتاهی به این دنیا می آئیم اما
نمی دانیم چرا به دنیا می آئیم و با اینحال
بنظر می رسد که رسالتی الهی داریم. به
لحاظ زندگی روزانه از یک چیز مطمئن
هستیم و آن اینکه انسان ها به خاطر
انسان ها خلق می شوند.»

گروه موفقیت شاهرخی

www.sajadshahroki.org



ثروت بی پایان درون من با پرسش های روزانه ام کشف میشوند



گروه موفقیت شاهرخی

فروشگاه اینترنتی محصولات ما
WWW.SHOP-SAJADSHAHROHI.COM

اگر در آن واحد دو خرگوش را
تعقیب کنید هر دو از دستتان در
می رود.

گروه
موفقیت
شاهرخی

www.sajadshahrokhi.org

گروه موفقیت شاهرخی



ایده های ثروت ساز خود را پرورش
دهید و تبدیل به ثروت کنید

لیست کتاب های رایگان دیگر ما در سایت برای دانلود قرار گرفته است.

- ✓ مقاله الکترونیکی چکار کنیم تا اراده خود را پولادین نماییم.
- ✓ مقاله الکترونیکی زندگی نامه نیک وی آچیچ (معلول و سخنران انگیزشی استرالیایی)
- ✓ کتاب 13 کاری که افراد باروحیه قوی انجام نمی دهند.
- ✓ کتاب اهدافی که به کمک تجسم خلاق کلاسیک براحتی میتوان به آن رسید.
- ✓ مقاله ضمیر ناخودآگاه چیست؟ (به زبان خودمانی).
- ✓ مقاله 16 قانون برای افزایش قانون جذب در زندگی شما.
- ✓ مقاله (از بامبو برای موفق شدن در زندگی درس بگیریم).
- ✓ مقاله با یازده روش قانون جذب را در زندگی خویش فعال تر کنیم.
- ✓ مقاله 16 روش عالی برای افزایش موفقیت زبان بدن شما.
- ✓ کتاب 120 قانون جهانی موفقیت از زبان برایان تریسی.
- ✓ مقاله الکترونیکی رایگان چهل نکته طلایی برای موفق شدن تمام زمینه ها از زبان برایان تریسی.
- ✓ مقاله الکترونیکی 10 نوع فرد خطرناکی که برای موفقیت از زندگی خود 100 درصد حذف کنیم.
- ✓ مقاله الکترونیکی 24 نکته کاربردی برای تقویت اعتماد به نفس عالی.
- ✓ مقاله 120 ایده کاربردی و تمرین عالی برای تقویت مغز.
- ✓ کتاب مصور دوپینگ تصویری موفقیت به زبان بی زبانی.
- ✓ مقاله 8 تمرین فوق العاده برای رسیدن به رویاها و آرزوهایتان.

- ✓ کتاب شکرگزاری اثر راندا برن.
 - ✓ مقاله 19 ویژگی همسر رویایی برای زندگی رویایی.
 - ✓ مقاله 28 نکته طلایی برای موفقیت با کنترل افکار درونی خود.
 - ✓ مقاله 10 عادت بسیار مهم و حیاتی برای ثروتمند شدن.
 - ✓ خلاصه کتاب ایین سخنوری (دیل کارنگی).
 - ✓ دانلود کتاب اعتماد به نفس جادویی در یک هفته.
 - ✓ کتاب الکترونیکی تکنیک های موفقیت.
 - ✓ کتاب الکترونیکی شستشوی مغزی مثبت با عبارات تاکیدی تصویری.
 - ✓ آموزش ریلکسیشن و خود هیپنوتیزم خفیف
 - ✓ خلاصه کتاب هفت قانون معنوی موفقیت دیباگ چوپرا به همراه متن مصاحبه او با انتونی رابینز
 - ✓ کتاب الکترونیکی از استرس تا موفقیت در 31 روز
 - ✓ مقاله الکترونیکی چگونه جفت روحی خود را جذب کنیم
 - ✓ مقاله الکترونیکی 15 روش ارتباط بهتر با خداوند و افزایش هوش معنوی
- شما
- ✓ خلاصه کتاب فروش موفق رابرت هلر



هدیه هفتگی گروه موفقیت شاهرخی

هر هفته دو کتاب اختصاصی در وب سایت ما

منتشر می شود .

<http://www.sajadshahrokhi.org/>

فروشگاه اینترنتی محصولات ما

www.shop-sajadshahrokhi.org

www.shop-sajadshahrokhi.org



گروه موفقیت شاهرخی

محصولات گروه موفقیت شاهرخی